

رستاخیز



((چرا آن زنده را در میان مردگان می چویدید ؟))

عیسی بر روی صلیب مرد، دیگر مثل ما بر روی زمین زندگی نمی‌کند. اما همه چیز تمام نشد. سه روز بعد دوستانش او را زنده دیدند. عیسی مسیح از مرگ برخاسته است. وقتی عیسی بر روی صلیب مرد، یکی از دوستانش که یوسف رهامی نام داشت، همه کارهای لازم را انجام داد. او جسد عیسی را گرفت، آن را آماده کرد و در قبر تازه نهاد. بعد با یک سنگ بزرگ در قبر را بست و رفت. اما کاهنان می‌ترسیدند که شاگردان عیسی بیایند و جسد عیسی را بزدند. پس دستور دادند تا سربازانی بر در قبر نگهبانی دهند و از جسد عیسی محافظت نمایند. اولین روز هفته، در اولین ساعت صبح، مریم مجدلیه و زنان دیگر بر سر قبر آمدند. دیدند که زلزله شد و سنگ بزرگ از سر قبر کنار رفت، فرشته خدا بر آن نشست و سربازان نیز از ترسشان پا به فرار گذاشتند. فرشته به زنان گفت: نترسید! شما بدنبال عیسی آمده‌اید، اما او اینجا نیست. همانطور که قول داده بود او زنده شده است. ببینید قبر او خالی است... زنان برای بردن این خبر خوش بسرعت دویدند. در حالی که می‌رفتند عیسی بر ایشان ظاهر شده گفت: آرامش بر شما باد! و زنان به زانو افتادند. عیسی ادامه داد و گفت: نترسید! بروید و

به شاگردان من بگویید که به جلیل بروند و من آنها را در آنجا خواهم دید. در این وقت سربازان نیز به شهر رسیدند و ترد کاهنان رفتند و همه چیز را تعریف کردند. اما کاهنان نخواستند ایمان آوردند و دستور دادند به همه اعلام کنند که شاگردان عیسی، جسدش را زدیدند. یازده شاگرد عیسی به جلیل رفتند. وقتی عیسی را دیدند به زانو افتادند. عیسی به ایشان گفت: بروید و به همه اعلام کنید که مرگ دیگر قدرتی ندارد و من هر روزه تا پایان جهان با شما هستم.

کلمات مهم در متن:

زلزله: در کتاب مقدس وقتی می‌خواهند به حضور خدا اشاره کنند، یکی از نشانه‌هایی که استفاده می‌کنند، زلزله می‌باشد.

فرشته خدا: آنکه از سوی خدا خبری آورده باشد. در اینجا فرشته، خبر رستاخیز عیسی مسیح یعنی برخاستن او از مرگ را اعلام می‌کند.

جلیل: استانی است در سرزمین فلسطین که مردمانی بسیار از سرزمینهای مختلف در آن رفت و آمد داشتند. به همین دلیل عیسی خواست که شاگردانش در آن شهر مژده را اعلام کنند تا همه بدانند که دیگر مرگ قدرتی ندارد.

عیسی هر روزه با ما است: زیرا او از مرگ برخاست و امروز زنده در میان ماست.